رواق

ویژه فرهنگ و معارف رضوی

قدس

دوشنبه ۳ خرداد ۱۴۰۰

۱۲ شوال ۱۴۴۲ | ۲۴ می ۲۰۲۱ | سال سی و چهارم | شماره ۹۵۳۵ | ویژه نامه ۶۳

www.qudsonline.ir

امام حسین (ع): حلم زینت انسان و وفا نشانه جوانمردی است.
بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۲

لباس‌هایی که با همت مسجدی‌ها قامت محرومیت را پوشانده است

۲

دلجویی خادمان رضوی از خانواده‌های آسیب‌دیده زشک

۴

دیدگاه

نقش انتخاب اصلح در تبدیل ایران به قدرت جهانی

حجت‌الاسلام احمد رهدار، مدیر مؤسسه فتوح اندیشه در نشست برخط شیوه‌های ترویج حضور حداکثری در انتخابات گفت: جریان انقلابی که شناخت سطح بالا و ادراکی از انقلاب اسلامی دارند همیشه ...

صفحه ۳

پیامدها و راه‌های پیش روی ایران پس از آزادی خرمشهر چه بود؟

فتحی در مسیر «بیت‌المقدس»

صفحه ۲

روایت‌هایی خواندنی از شب خاطره «از وقتی مادر شدم»

فرشته‌ها با هم می‌آیند

۴

پرسه در صحن

مثل پیرمردها

تصویر ذهنی من از سقاخانه بدون آب سردکن و لیوان پلاستیکی آن‌قدر مبهم است که به سختی یادم می‌آید آخرین بار چه زمانی کاسه‌های طلایی رنگ سقاخانه را دیدم اما خوب یادم می‌آید که به جز سقاخانه اصلی، حوض کوچکی هم در حرم وجود داشت که نوعی سقاخانه به حساب می‌آمد و پاتوق پیرمردها بود. این پیرمردها از همان لحظه‌ای که سلام رو به گنبدشان تمام می‌شد و کمر راست می‌کردند، مشغول بالا زدن آستین‌ها و درآوردن جوراب‌هایشان می‌شدند و این کار را هم اغلب در حین حرکت به سمت حوض انجام....

۳

آن روزها

«بست» و مفهوم آن در تاریخ حرم رضوی

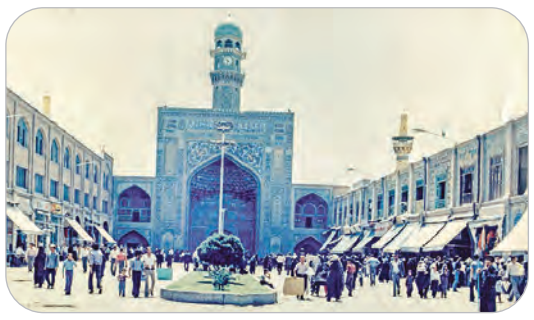

محمدرضا انصافی: یکی از واژه‌هایی که احتمالاً هر زائری پس از ورود به حرم رضوی با آن برخورد می‌کند، «بَست» است. به طور کلی واژه «بست» به محدوده حریم حرم پیش از ورود به صحن‌ها اطلاق می‌شود اما در طول تاریخ، این واژه مفاهیم و معانی متعددی داشته است؛ به این معنا که محدوده بست، گاه بسیار گسترده می‌شد و تمام شهر را دربر می‌گرفت و در بعضی دوره‌ها هم دامنه وسعت آن تا بازارهای اطراف حرم توسعه می‌یافت مثلاً در دوره قاجار در راسته بازار بزرگ مشهد و در گذر نزدیک به حرم رضوی، بازار «زنجیر» قرار داشت، جایی که در وسط آن، زنجیری را از سقف بازار آویزان کرده بودند و می‌گفتند عبور از این زنجیر، ورود به بست حرم رضوی است و حرمت ویژه‌ای دارد. سنت بست‌نشینی و پناهنده شدن افراد به اماکن مقدسه، دقیقاً با این مفهوم پیوندی مستقیم دارد. با این حال، امروزه واژه بست به همان ورودی‌های گل‌کاری شده به سمت صحن‌ها اطلاق می‌شود. بست‌های چهارگانه حرم رضوی؛ بست شیخ طوسی(بالاخیابان)، بست شیخ حرعاملی(پایین‌خیابان)، بست شیخ طبرسی و بست شیخ بهایی است که هر کدام در انتهای خود به ورودی یک صحن یا رواق‌های متبرکه می‌رسد. با چنین دیدگاهی می‌شود تاریخ ایجاد بست در حرم رضوی را به دوره شاه‌عباس یکم و زمانی رساند که برای نخستین بار خیابان مشهد از شرق به غرب آن ایجاد شد و ورودی‌های حرم رضوی در قالب بست، شکل گرفت؛ جایی که مجاوران و مشهدی‌ها از آن‌ها با نام «بست بالا» و «بست پایین» یاد می‌کنند. اطراف این دو بست، بازار و حجره‌هایی قرار داشت که عموماً اجاره داده می‌شد و موقوفه بود. بنابراین بست بالاخیابان و پایین‌خیابان، قدمتی از دوره صفویه دارند و حدود ۴۰۰ سال از عمر آن‌ها می‌گذرد و تا پیش از دهه ۱۳۴۰، نهر مشهور نادری یا همان نهر خیابان از وسط این بست‌ها می‌گذشت. بست شیخ طبرسی پس از ایجاد فلکه شمالی که به صورت یک نیم‌دایره، بالاخیابان و پایین‌خیابان را از سمت شمال حرم رضوی به هم متصل می‌کرد و در وسط آن خیابان طبرسی ایجاد شد، شکل گرفت. با این حال، بنای اصلی و مهندسی شده آن، مربوط به دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. بست شیخ بهایی نیز بستی تازه تأسیس است. این بست، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد صحن جمهوری اسلامی، در مسیر راسته بازار قدیمی مشهد ساخته شد. در ضلع شرقی این بست، مسجد گوهرشاد قرار دارد و انتهای آن به کفشداری‌های ۱۳ و ۱۴ و ورودی شرقی صحن جمهوری اسلامی ختم می‌شود.

مروری بر تاریخ آغاز و انجام اعطای القاب در آستان قدس رضوی

خوشم به آن لقبی که نشان خادمی است

محمدحسین نیکبخت: قصه جالب و شیرینی دارد؛ اصلاً شاید تا به حال درباره‌اش فکر کرده، اما بالاخره متوجه نشده‌اید که اصل ماجرا چیست؟ اینجا در شهر مقدس مشهد، در میان همهمه و شلوغی شهر و خیابان‌ها و ساختمان‌های مدرن و تازه تأسیس، هنوز هم کوچه‌هایی پیدا می‌شود که بر آن‌ها نام‌های عهد قجر خودنمایی می‌کند؛ «شجاع‌التولیه»، «نظام‌التولیه»، «ناظر آستانه» و... . القابی که مستقیم با تشکیلات آستان‌قدس رضوی در این دوره تاریخی ارتباط داشته است؛ یعنی منشأ اعطای آن‌ها، خدمت در آستان بود و معمولاً داشتن چنین لقبی افتخار بزرگی محسوب می‌شد. تا سال ۱۳۰۴ش. که پایان اعطا و کاربری لقب در ایران است، در تشکیلات اداری آستان‌قدس رضوی صاحبان منصب و مسئولیت را با اعطای القابی مفتخر می‌کردند تا با نام بردن از آن‌ها، جایگاهشان در ساختار سازمانی آستان معلوم باشد. اما نکته جالب توجه این بود اعطای این القاب به‌تدریج آن‌قدر عمومیت پیدا کرد که در بعضی جاها کار از دست در رفت و حتی کسانی که هیچ ارتباطی با آستان نداشتند هم صاحب لقب شدند. قصه اعطای لقب در تشکیلات آستان‌قدس رضوی ماجرایی است که می‌خواهیم امروز در صفحه نخست رواق درباره‌اش صحبت کنیم.

روزگاری که بازار لقب داغ بود

همین ابتدا بگویم تا پیش از دوره قاجار اصولاً چیزی به نام اعطای لقب به شکل گسترده آن، وجود خارجی نداشت و اگر هم پیدا می‌شد بسیار محدود و منحصربه‌فرد بود. در این دوره، افراد و شخصیت‌هایی که در آستان‌قدس خدمت می‌کردند، با القاب و نام‌های ثابتی خطاب قرار می‌دادند. ابوالفضل حسن‌آبادی در شرحی که بر «القاب در آستان‌قدس» نوشته، آورده است: «[در دوره پیش از قاجاریه و به خصوص صفویه] تنها از عنوان‌های کلی مانند مستوفی عالیقدر و ناظر سموالمکان استفاده می‌شد. متولی آستان‌قدس نیز با عبارت‌هایی چون «قواماً لسیاده والنقابه والایاله والحکومه والشوکته والاقبال» ... خطاب می‌شده است». با این حال، استفاده از لقب برای معرفی افراد رواج چندانی نداشت و آغاز اعطای گسترده آن در دوره قاجار اتفاق افتاد. در این دوره که بازار اعطای لقب در تمام کشور بسیار داغ شده بود، مجموعه‌ای وسیع از ترکیبات دستوری برای این امر مورد استفاده قرار می‌گرفت و گاه به دلیل تعدد القاب، واژه کم می‌آمد و لقب اعطایی لقبی نامفهوم و بی‌مسما می‌شد؛ مثلاً در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار، فردی در کتابخانه آستان‌قدس را ملقب به «هم‌قلم» کرده بوده‌اند و آن بخت‌برگشته خودش هم نمی‌دانست معنای لقبش چیست! به همین دلیل به دستور شاه قاجار، لقب وی را تغییر دادند. البته ساخت لقب‌ها همیشه این قدر بی‌حساب و کتاب نبود و برای آن ساختار دستوری خاصی تعریف می‌شد؛ انواع اسم فاعل مانند ناظر، معاون، منتظم، منتصر، مدیر یا اسم مفعول مانند منصور، موثق، مشار یا مصدرهایی مانند قوام، اقبال، اجلال، علاء و مانند این‌ها را کنار یک مضاف‌الیه مانند تولیه، مُلک، سلطنه و ... قرار می‌دادند و می‌شد لقب فرد.

القاب اعطایی در آستان

در دوره قاجار روند اعطای القاب در آستان به چند صورت بود؛ نخست اینکه متولی از شاه درخواست لقبی را برای فلان کارمند یا خادم به دلیل خدمتی که انجام داده است، می‌کرد و به این ترتیب، لقبی اعطا می‌شد. دیگر اینکه متولی می‌توانست خودش لقبی را برای خادم یا کارمند آستان در نظر بگیرد که این لقب از لحاظ اداری، تنها در محدوده فعالیت‌های آستان‌قدس رسمیت داشت، اما در بیرون این مجموعه، از باب احترام برای افراد صاحب آن، به کار برده می‌شد و ارزش حقوقی نداشت. لقب‌های اعطایی متولی معمولاً اعتبار کمی داشتند و فرد نمی‌توانست چندان از مواهب مالی و اداری آن برخوردار شود فقط نوعی احترام و تکریم بود. گاهی پیش می‌آمد که شاه خودش بدون تقاضای متولی، به فردی لقب می‌داد و بعضی وقت‌ها هم خود فرد با اعطای پیشکشی به شاه و درباریان، لقبی را برای خودش دست و پا می‌کرد؛ مثلاً میرزاحسین نایب‌التولیه با همین روش برای فرزندانش لقب‌های جلال‌التولیه و مؤیدالتولیه را از ناصرالدین‌شاه گرفت.

نمونه‌هایی از القاب کاربردی

القابی که در آستان رواج داشت عموماً به «التولیه» ختم می‌شد، اما در این میان، استثنا هم کم نبود. برخی از این القاب شغل فرد را نشان می‌داد مثلاً لقب‌های «امین کارخانه» یا «ناظم کارخانه» را برای مسئولان مهمانسرای حضرتی به کار می‌بردند و «دبیرالکتاب» و «معتمدالکتاب» را برای مسئولان کتابخانه حرم رضوی. برای رئیس دارالشفاء یا پزشکان حاذق این بخش از القابی مانند «صدرالاطباء» و «امین‌الصحه» استفاده می‌کردند و پسوند «ذاکرین» مثل «افتخار الذاکرین»، «رئیس‌الذاکرین» و مانند این‌ها، برای مداحان و روضه‌خوان‌های برجسته حرم رضوی کاربرد داشت. بعضی از القاب به صورت موروثی از پدر به پسر می‌رسید مثلاً «رکن‌التولیه»، لقب موروثی سرکشیکان اول آستان‌قدس بود. در این بین، القابی هم بودند که نه به شغل تعلق داشتند و نه به ارث می‌رسیدند. این القاب که اتفاقاً آمار و ارقامشان هم کم نیست به وفور و با رویکردهای متفاوت به افراد اعطا می‌شد؛ القابی مانند اعتضادالتولیه، احتشام‌التولیه، بشیرالتولیه، مصدق‌التولیه، امجدالتولیه، اقبال‌التولیه و... که احتمالاً نمونه‌های متعددی از آن‌ها را به عنوان نام کوچه یا محله و راسته‌بازار در مشهد مقدس دیده یا شنیده‌اید. بنابراین اگر در گذرتان از خیابان‌های شهر مشهد به‌خصوص از کوچه پس‌کوچه‌های اطراف حرم رضوی، با چنین القاب و اسامی خاصی برخورد کردید، بدانید ریشه و منشأ آن‌ها کجاست و تاریخ شکل گرفتنشان چگونه بوده است.

مجازآباد

گل در جواب موشک

به‌تازگی تصاویری از مادر دو شهید فلسطینی در فضای مجازی منتشر شده که نشان می‌دهد او گل‌های رز را در پوکه بمب‌ها می‌کارد تا از جنگ، زیبایی ایجاد کند و بگوید نوار غزه از میان درد و رنج در سرزمین مقدس زیبایی می‌آفریند. «صبیحه موسی العبد» قهرمان این داستان است که دو فرزند او با گلوله‌های اشک‌آور به شهادت رسیدند، اما او به شیوه خود پاسخ داد. این مادر مسن که به ۶۰ سالگی رسیده، این بمب‌ها را به گلدان تبدیل کرده و برای شادی روح فرزندان شهیدش در آن‌ها گل قرار داده است. پسرش «باسم» در ۲۰۰۹/۴/۱۷ درحالی که فقط ۳۰ سال داشت با شلیک مستقیم گلوله به سینه‌اش به شهادت رسید. دختر ۳۵ ساله‌اش نیز در ۲۰۱۱/۱/۱ بر اثر استنشاق گاز دار فانی را وداع گفت. این مادر فلسطینی گفته است می‌خواهد با این کار پیامی را به جهانیان و دشمن انتقال دهد و آن پیام این است: ما قدرتمند هستیم و قادر به کاشتن گل در بمب‌هایی هستیم که موجب کشته شدن فرزندان ما می‌شود. ما قوی هستیم، زیرا اصرار داریم هیچ کس با این بمب‌ها افراد دیگری را نکشد ما می‌خواهیم دنیا با دیدن این بمب‌ها رژیم صهیونیستی را مهار کند.

خوب درس بخوانید

در آستانه امتحانات پایان ترم دانشجویان در سرتاسر کشور، صفحه اینستاگرامی «نوجوان»، منتسب به دفتر حفظ و نشر آثار رهبرمعظم انقلاب پستی را از بیانات معظم‌له درباره درس خواندن جوانان و نوجوانان در فضای مجازی منتشر کرد. در بخشی از این پست به نقل از رهبر انقلاب آمده است: «آن چیزی که من توصیه می‌کنم، این است که بچه‌ها از استعداد و از وقت خودشان استفاده کنند؛ خوب درس بخوانند. ما بیشترین چیزی که امروز لازم داریم، این است که بچه‌ها به طور جدی درس بخوانند».

دنیای اسلام مسئول است

صفحه مجازی منتسب به دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب پس از پیروزی شیرین فلسطین، لوحی را برگرفته از بیانات رهبری با عنوان «همبستگی صادقانه» منتشر کرد که در ادامه آن را می‌خوانید: «دنیای اسلام یکسره در برابر قضیه فلسطین، مسئول و دارای تکلیف دینی است. دولت‌های مسلمان باید در پشتیبانی از ملت فلسطین صادقانه وارد میدان شوند، چه در تقویت نظامی، چه در پشتیبانی مالی و چه در بازسازی زیرساخت‌ها و ویرانی‌ها در غزه».

ظرفیت حکمت متعالیه برای تمدن‌سازی | حجت‌الاسلام حیدر همتی، مدیر مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا(ع) در یادداشتی درباره مکتب فلسفی ملاصدرا نوشت: از شاخص‌های فکری آیت‌الله خامنه‌ای اهتمام ایشان به روش عقلانی در گفتمان دینی است. عقلانیت در نگاه رهبر معظم انقلاب؛ استخراج نیروی خرد انسان و حاکم ساختن آن بر تفکرات و اعمال انسان است نه محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل. همچنین ایشان در باره ظرفیت مکتب فلسفی صدر المتألهین در تمدن‌سازی نوین اسلامی می‌فرمایند: همواره همه بشریت به یک چارچوب و استخوان‌بندی متقن عقلانی برای فهم و تفسیر هستی نیازمندند؛ هیچ فرهنگ و تمدنی بدون چنین پایه مستحکم و قابل قبولی نمی‌تواند بشریت را به فلاح و استقامت و طمانینه روحی برساند و زندگی او را از هدفی متعالی برخوردار سازد و چنین است که به کمال ما فلسفه اسلامی بعوژه در اسلوب و محتوای حکمت صدرایی جای خالی خویش را در اندیشه انسان این روزگار می‌جوید و سرانجام آن را خواهد یافت و در آنجا برپا خواهد شد.

گزارش

لباس‌هایی که با همت مسجدی ها قامت محرومیت را پوشانده است

آمنه مستقیمی: وقتی حرف از کمک مؤمنانه و دست‌گیری از محرومان به میان می‌آید شاید بسیاری از ما تصور کنیم باید پولمان به‌اصطلاح از پارو بالا برود تا بتوانیم در چنین کارهایی مشارکت کنیم. اما دوران شیوع کرونا با همه تهدیدهایش این فرصت را ایجاد کرد تا دریابیم مواسات و همدلی بیش از صفرهای دارایی، همت‌های بلند و دل‌های بزرگ می‌خواهد... چنان‌که بچه‌های مسجد «حضرت قمر بنی هاشم(ع)» با همین همت‌های بلند توانستند لبخند را بر لبان بسیاری از خانواده‌های محروم بنشانند.

تولید و توزیع بیش از یک میلیون ماسک در دو ماهه نخست شیوع کرونا!

در آن بحبوحه اولیل شیوع کرونا که ماسک حکم کیمیا را پیدا کرده بود و با قیمت‌های گزاف به فروش می‌رسید، بچه‌های مسجد «حضرت قمر بنی هاشم(ع)» مرکزی را برای برش زدن پارچه و تولید ماسک نه فقط برای اهالی محله بلکه با جامعه هدف و چشم‌انداز تأمین نیاز بیمارستان‌ها و کادر درمان راه‌اندازی کردند. تولیدات این مرکز تا اردیبهشت ۹۹ به ۲۰ استان ارسال شد که تعدادی نزدیک به یک میلیون ماسک را شامل می‌شد.

«عباس مریدی» مدیر کانون فرهنگی هنری مسجد «حضرت قمر بنی هاشم(ع)» درباره اقدامات دیگر بچه‌های این مسجد، می‌گوید: پس از تعادل بازار عرضه و تقاضای ماسک و تأمین انواع و اقسام آن در بازار که باز هم مسجدی‌ها در انجام آن پیشتاز و فعال بودند و همچنین باتوجه به توصیه رهبر معظم انقلاب به اجرای رزمایش مواسات و همدلی مؤمنانه، بچه‌های مسجد حضرت قمر بنی هاشم(ع) وارد میدان تهیه و توزیع بسته‌های معیشتی و رونق بخشیدن به سفره خانواده‌های محروم و بی‌بضاعت شدند و در همین راستا ماهانه بین ۵۰ تا ۶۰ بسته معیشتی شامل اقلام ضروری همچون برنج، روغن و... را تهیه و توزیع کردند. نکته مهم این است گرانی روزافزون اقلامی مثل روغن این روزها را متوقف نکرد و حتی اقلام تنوع بیشتری هم پیدا کردند.

او می‌گوید: در همین راستا کمک به هزینه درمانی بیماران، ترک اعتیاد افراد مبتلا به سوءمصرف، تأمین اجاره‌بهای برخی خانواده‌های محروم، تأمین جهیزیه برای زوج‌های جوان و کم‌بضاعت و... تا جایی که بضاعت و توان اهالی و اعضا اجازه دهد، انجام شده و می‌شود. همچنین باید بگویم اعضای کانون فرهنگی هنری و اهالی این مسجد در رسیدگی به محرومان، با سازمان بهزیستی هم همکاری می‌کنند؛ به این صورت که شناسایی، معرفی و حمایت مالی با بچه‌های مسجد و حمایت‌های قانونی از نیازمندان نیز برعهده بهزیستی است.

کمک به آموزش آنلاین دانش‌آموزان محروم

با توجه به گسترش دامنه نفوذ و اثرگذاری آسیب‌های کرونا به عرصه‌های علمی و آموزشی و ضرورت آنلاین شدن آموزش‌ها، کمبود امکانات آموزشی نیز باری جدید بر دوش خانواده‌های محروم و بی‌بضاعت شده است و این کمبود و محرومیت می‌تواند دانش‌آموزان و کودکان این خانواده‌ها را آسیب‌پذیرتر از پیش کند؛ از این‌رو، بچه‌های مسجد «حضرت قمر بنی هاشم(ع)» به فکر تهیه گوشی هوشمند و تبلت برای آموزش‌های آنلاین، افتادند.مدیر کانون فرهنگی هنری مسجد حضرت قمر بنی هاشم(ع) با بیان اینکه از دوران تولید ماسک در ابتدای شیوع کرونا با گروه‌های جهادی در شهر تهران و خارج از تهران در ارتباط هستیم، تأکید می‌کند: در پی این تعاملات دامنه کاری‌مان را گسترش دادیم و مجمع جهادی «حاج‌قاسم» را فعال کردیم که شناسایی و رسیدگی به محرومان را در دستور کار دارد.

توزیع ۴۰ هزار دست لباس میان خانواده‌های نیازمند در استان‌های مختلف

یکی از اصلی‌ترین و اثرگذارترین فعالیت‌های بچه‌های این مسجد که دامنه آن در سطح کشور گسترده شده، تأمین لباس برای اقشار آسیب‌پذیر و ضعیف بوده است. این طرح از مهرماه ۹۹ و در آستانه فصل سرما کلید خورد، بدین ترتیب فراخوان جمع‌آوری لباس‌های نو و دست دوم و اسباب‌بازی اعلام شد. تا به امروز ۴۰هزار دست لباس میان خانواده‌های نیازمند توزیع شده باشد.مریدی در این باره بیان می‌کند: برای اجرای این پویش سه دستگاه ماشین لباسشویی را در حیاط مسجد جابایی و فعال کردیم تا البسه دست دوم در حد نو را شست‌وشو، خشک و بسته‌بندی کنیم.

وی اضافه می‌کند: پیش از این در طرح «دیوار مهربانی» بحث تقدیم لباس به محرومان انجام شده بود اما لباس‌ها نه تمیز و بسته‌بندی و نه سایزبندی می‌شدند. در حالی که به همت اهالی و خیران و بچه‌های این مسجد، لباس‌ها بر اساس سایز بسته‌بندی و توزیع می‌شود. البته بسیاری از خیران هم لباس‌های نو را در اختیار ما گذاشته‌اند.

قطار تهران ـ مشهد

نذر کننده لامپ‌های حرم

الهه ارجمندی راد: نذرکننده بود و این را تمام افتخار عمر ۶۰ ساله‌اش می‌دانست. مگر می‌شود هر سال برای امام رضا(ع) نذری داد و دلت به این خوش نباشد که روزی همین‌ها دست‌گیرت می‌شود؟ البته ته دلش می‌دانست شاید خیلی جاها هم کم گذاشته. سال‌هاست در این روزها در این مسیر می‌آید و می‌رود و دیگر داستان لامپ‌های نذری دهه گذشته برایش داستان تکراری شیرینی است که سال‌های زیادی است شروع شده و تکرارش هرسال اتفاقات خاصی را هم رقم می‌زند. خلاصه حاجی یک زائر خاص و دعوت شده بود که هرسال چندماه مانده به ولادت آقا، پیگیری برای جمع‌آوری لامپ‌ها و تجهیزات و جمع کردن نیروهای داوطلب تیمش را کلید می‌زد و آخر سر با دستی پر و با بهترین حال از تهران راهی مشهد می‌شد. دستی در موهای سپیدش کرد و آهی کشید. دلش می‌خواست مثل هرسال او هم با دوستان و همکارانش در جاده بود و خودش ریسه‌ها و لامپ‌ها را به مشهد می‌رساند اما چه حیف که ماشین دقیقه ۹۰ خراب شده و برنامه حاجی هم به‌هم خورده بود. حالا باید با قطار خود را پیش از ورود بار چراغ‌ها به حرم امام می‌رساند تا آن‌ها را تحویل دهد. اصلاً تمام این سال‌ها آن اتفاقات خوب در همین جاده برایش می‌افتاد که حالش را متفاوت می‌کرد. اما حتماً خرابی ماشین هم حکمتی داشته که او نمی‌دانست.

تنها بزرگش همراهش بود. هیچوقت او را تنها نمی‌گذاشتند. ۱۶ سال بیشتر نداشت اما او هم از همان حدود شروع ماجرا، دهه کرامت هم سال با پدربزرگ، پدر و دوستان پدرش میهمان مشهد بود و کمکی هم می‌رساند. اصلاً تمام برکت زندگی خانواده از همین عشق و ارادت به مولا بود. این را پیرمرد خوب می‌دانست. از پنجره به قطاری که از روبه‌رو می‌آمد زل زد و با چشم دنبالش کرد. چه پرسرو صدا مسیرش را روی ریل‌ها گرفت و رفت. درست مثل گذر عمری که این سال‌ها از خدا گرفته بود. صدای بوق قطار که آمد، ناخود آگاه رفت به خاطره آن سال در جاده مشهد. وقتی صدای بوق اتوبوس او را به خود آورد و کمی جلوتر بعد پیچ، وانت واژگون شده لامپ‌ها را دید... مضطرب پسرش را دنبال کرد و بعد دید که سالم است و حتی خراشی برنداشته... مگر می‌شد آن تصادف فراموشش شود و یادش نباشد خود امام پسرش را در همین مسیر و در نزدیکی روزهای ولادت دوباره به او داد.

خانم همسفری که ساندویچ‌های کوچک کوکوسبزی برای بچه‌هایش درست کرده، به او و نوه‌اش تعارف می‌کند و پیرمرد به خود می‌آید. لقمه را برمی‌دارد و تشکر می‌کند. باز یاد آن سالی می‌افتد که در سمنان با آن خانواده مهربان در رستوران بین‌راهی آشنا شدند و از وقتی آن‌ها فهمیدند این بار چراغ‌ها، برای ریسه کردن حرم رضوی است، هرسال با اصرار یک ناهار را میزبان کاروان آن‌ها می‌شوند؛ یکهو دلش برای آن دستپخت پرمهر مادر خانواده تنگ شد. لقمه کوکو را در دهان گذاشت و چشمانش را بست و حرم امام را تصور کرد. شب میلاد را، وقتی تمام صحن پیامبر اعظم را ریسه کشیده و حرم غرق نور و شادی است... .

خانواده

آسیب ارتباط نداشتن اعضای خانواده با یکدیگر

ارتباط نداشتن اعضای خانواده با یکدیگر یکی از مهم‌ترین آسیب‌هاست. این مسئله در تمام حوزه‌های تحول تربیتی، اخلاقی، دانشی و آموزشی خانواده، نقش محوری دارد.یکی از اندیشمندان غربی (آخن لمین) می‌گوید: نظام روان‌شناختی انسان یک میدان است و در آن اجزایی وجود دارد که اگر هرکدام از این اجزا آسیب ببینند، درواقع کل مجموعه آسیب دیده است. ما باور داریم نظام خانواده نیز این‌گونه است؛ اگر در هر بخش از ارکان خانواده مشکل ایجاد شود، کل نظام خانواده دچار مشکل خواهد شد.

در یک خانواده، اگر زن، وظایف همسری خود را به نحو احسن انجام ندهد، همه خانواده به چالش کشیده می‌شود، اگر پدر نقش مدیریتی، نان‌آوری و تربیتی خود را به درستی انجام ندهد و یا اگر فرزندان به وظایف خود عمل نکنند، تعامل منطقی بین اعضای خانواده مختل خواهد شد.

در خانواده‌هایی که با حفظ ظاهر خانواده، در درون خود ازهم‌گسسته‌اند، یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها، ارتباط نداشتن اعضای خانواده با یکدیگر است.

هرکدام از اعضا مسیر خود را می‌رود و مشکلات دیگری را مشکلات خودش نمی‌داند. پدر در قبال مسائل و مشکلات فرزندان احساس مسئولیت ندارد و هرکدام دغدغه‌های شخصی خود را دنبال می‌کنند. البته در کشور ما این مسائل کمتر است، ولی متأسفانه تا حدودی شاهد آن هستیم و باید گفت فرزندان طلاق بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

عوامل تشکیل دهنده شخصیت انسان (زیرساخت‌های شکل‌گیری شخصیت یا مؤلفه‌های شکل‌گیری آن و اینکه شخصیت چیست) تعریف‌های مختلفی دارد و منظور ما در اینجا کلیت روان‌شناختی فرد است. شخصیت، موجب می‌شود رفتارهای ما به‌گونه خاصی شکل گیرد؛ یعنی رفتارها و کنش‌های ما و شما متأثر از شخصیت است. چند عامل اساسی در شکل‌گیری شخصیت دخالت دارد که یکی از آن‌ها از پدر و مادر منتقل می‌شود.

برگرفته از گفت‌وگوی حجت‌الاسلام علی احمد پناهی با خبرگزاری حوزه

پرسه در صحن

مثل پیرمردها

کیان راد: تصویر ذهنی من از سقاخانه بدون آب سردکن و لیوان یکبار مصرف آن‌قدر مبهم است که به سختی یادم می‌آید آخرین بار چه زمانی کاسه‌های طلایی رنگ سقاخانه را دیدم اما حوض یادم می‌آید که به جز سقاخانه اصلی، حوض کوچکی هم در صحن وجود داشت که نوعی سقاخانه به حساب می‌آمد و یاتوق پیرمردها بود. این پیرمردها از همان لحظه‌ای که سلام رو به گنبدشان تمام می‌شد و کمر راست می‌کردند، مشغول بالا زدن آستین‌ها و درآوردن جوراب‌هایشان می‌شدند و این کار را هم اغلب در حین حرکت به سمت حوض انجام می‌دادند و ابداً امکان نداشت گوشه‌ای بایستند و با آرامش آستین‌ها را بالا بزنند!

آن موقع حوض حرم حسابش از آب‌نماهای تزئینی جدا بود، به همین خاطر خادم‌ها مانع ورود گرفتن با آب حوض نمی‌شدند. پیرمردها یله می‌دادند به دیواره سنگی حوض آب و همزمان با آنکه زیر لبشان دعای نامفهومی می‌خواندند، دستشان را فرو می‌بردند توی آب. همیشه تک حوض چند کاسه طلایی رنگ ـ از همان‌هایی که به دیواره سقاخانه آویزان بودند- ولو بود و پیرمردها پس از وضو، با کاسه‌های طلایی رنگ آب می‌خوردند و در نهایت سلانه سلانه می‌رفتند به سمت روضه منوره. تمام هم و غمم من در آن روزها این بود که مادرم اجازه دهد یک بار هم که شده لذت آب خوردن آن هم با کاسه‌های طلایی رنگ را بچشم اما باید اعتراف کنم نسل ما نسل نازپرورده‌ای است که آب خوردن، آن هم با کاسه‌ای که همه با آن آب خورده‌اند، برایم حکم خودکشی را داشت!

نمی‌دانم چند روز قبل از تخریب حوض بود که به بهانه وضو گرفتن، از کنار مادرم بلند شدم و رفتم سمت آب. استرس سرتاپای وجودم را گرفته بود و احساس می‌کردم دارم خلافکارانه‌ترین عملی که تا آن روز از من سر زده را مرتکب می‌شوم. تمام تلاشم را به کار بسته بودم که مبادا آثار استرس در صورتم ظاهر شود و پیشانی‌ام را چین بیندازد و از آنجا بدود توی گونه‌هایم و آن‌قدر سرخشان کند که تمام زائرها بفهمند دارم کاری بوشدت خلاف انجام می‌دهم!ایستادم کنار حوض و بدون توجه به پیرمردهایی که با هم گپ می‌زدند تسمه را درز کردم سمت کاسه فلزی طلایی رنگ. توی کاسه چیزهایی نوشته شده بود که نمی‌توانستم بخوانمشان. نوشته‌هایش اما شبیه به تابلو ون یکاد توی خانه‌مان بود.

کاسه را به جای پر کردن از شیر آب با تمام توان زیر آب بردم و چند لحظه بعد چسباندمش به لب‌هایم. خنکی کاسه پخش شد توی تمام تنم و جگرم را خنک کرد. احساس غریب و لذت‌بخشی که تا آن روز در خودم سراغ نداشتم از توی گلویم شروع می‌شد و می‌رفت تا جایی که نمی‌دانستم کجاست. کاسه را توی حوض رها کردم، پهن شدم روی سنگفرش حرم، تکیه دادم به حوض و چشم‌هایم را بستم. صدای نقاره‌ای که نمی‌دانستم به چه مناسبت نواخته می‌شد همراه با صدای همهمه جمعیت می‌پیچید تو گوشم.مثل پیرمردها زیر لب شروع به خواندن تنها دعایی که از حفظ بودم، یعنی صلوات خاصه امام رضا(ع) کردم و دست بردم سمت ساق پایم تا جوراب‌هایم را دربیاورم و آماده شوم برای وضو گرفتن...

دیدگاه

نقش انتخاب اصلح در تبدیل ایران به قدرت جهانی

حجت‌الاسلام احمد رهدار، مدیر مؤسسه فتوح اندیشه در نشست برخط شیوه‌های ترویج حضور حداکثری در انتخابات گفت: جریان انقلابی که شناخت سطح بالا و ادراکی از انقلاب اسلامی دارند همیشه در انتخابات حضور پرشور داشته‌اند و باید کاری کنیم این شناخت از طبقه حزب‌اللهی به اقشار مختلف جامعه تعمیم پیدا کند و مردم بیشتری بفهمند انتخابات چیست و زمینه‌های هستی و قوام انتخابات چه مسائلی است.

به گزارش خبرگزاری رسا، حجت‌الاسلام رهدار با اشاره به اینکه نباید بیگانگان مورد اعتماد ما واقع شوند و امام خمینی(ره) بر این موضوع تأکید دارند، تصریح کرد: در تجربه انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) با عبرت گرفتن از سرنوشت شوم مشروطه که علمای تراز اول بلاد اسلامی و کشور ما را از میان برد و مشکلات بسیاری به دنبال داشت، فرمودند نباید به بیگانگان دل ببندیم و بر مبنای توانمندی‌های داخلی و اتکا به درون کشور، انقلاب اسلامی را شکل داد و بیگانگان را از کشور خارج کرد و خروجی آن شده است جمهوری اسلامی که از کشورهای ممتاز در منطقه منطقه بسیار جلوتر است.

اخلاق سیاسی از مطالبات مهم مردم است

حجت‌الاسلام رهدار با اشاره به تأکید رهبر معظم انقلاب بر تکیه به توان داخلی، اظهار کرد: اعتماد کردن به توان داخلی وجه ایجابی عدم اعتماد به بیگانگان است؛ دفاع مقدس نشان‌دهنده حاصل اعتماد و تکیه به ظرفیت‌های داخلی و دستاوردهای آن است.

وی با بیان اینکه تحریم‌های گسترده یکی دیگر از عوامل اهمیت داشتن اتکا به توان داخلی و عدم اعتماد به بیگانگان است، تصریح کرد: کشور ما باوجود تحریم‌ها، در عرصه‌های مختلف نظیر فعالیت‌های علمی، پزشکی و نظامی رشد کرده است و مردم ما نیز همواره در تحمل فشارهای ناشی از تحریم‌ها همراه و همسو هستند. مسائلی مانند بی‌عدالتی، تبعیض، رانت و فساد از جمله مشکلاتی هستند که سبب دلسردی مردم در خصوص شرایط کشور خواهد شد.

حجت‌الاسلام رهدار در ادامه افزود: مردم باید در عرصه‌های مختلف همراه، همسو و آگاه از مسائل کشور باشند، وقتی مردم شریک کشور شدن اگر مشکلی رخ دهد و خطایی باشد نیز همراهی خواهند کرد. عمل کردن مسئولان به وعده‌هایی که در ایام انتخابات می‌دهند یکی دیگر از مطالبات مهم مردم است. مسئولان باید صادقانه به مردم وعده بدهند و اگر واقعاً نتوانستند به وعده‌هایشان عمل کنند باید از مردم عذرخواهی کرده و درصدد جبران خطا برآیند؛ اخلاق سیاسی از مطالبات مهم مردم است.

گفتمان مقاومت بر خاسته از فطرت مردم است

مدیر مؤسسه فتوح اندیشه تحفظ بر روحیه انقلابی را از دیگر مسائل مهم در بستر انقلاب اسلامی برای افزایش مشارکت مردم دانست و اظهار کرد: مشکلات سبب کاهش اعتبار نظام و انقلاب اسلامی خواهد شد و باید بتوانیم با برنامه‌ریزی‌های گسترده و سیاست‌های دقیق و صحیح از حجم مشکلات کشور بکاهیم.

حجت‌الاسلام رهدار گفتمان مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران را گفتمانی مردمی و سرزنده برشمرد و تصریح کرد: برخلاف گفتمان سلفی‌گری که گفتمانی حکومتی و وابسته به پول‌های عربستان است، گفتمان مقاومت یک گفتمان برخاسته از فطرت مردم و گفتمانی مردمی و پویاست. به هر میزان نتایج مثبت و ملموسی برای این گفتمان در منطقه ایجاد کنیم قطعاً بر کم و کیف مشارکت مردم ما اثرگذار خواهد بود.

انتخاب صحیح، کشور را به یک قدرت جهانی تبدیل می‌کند

وی با اشاره به مقاومت مردم در هشت سال دفاع مقدس برای اثبات اقتدار و استقلال کشور، عنوان کرد: گذار ما از سطح قدرت ملی به قدرت منطقه‌ای موجب شد وارد مبارزه با داعش شده و به همت مردم و رزمندگان مدافع حرم بتوانیم حجاب‌های میان ما و ملت‌های منطقه را برداشته و تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای شویم. نشانه مؤید آن این است جریان استکبار جهانی نمی‌تواند توطئه‌ها و نقشه‌های خود را در منطقه پیاده کند و هرنقشه‌ای بکشد به دلیل مخالفت ایران شکست خواهد خورد.

مدیر مؤسسه فتوح اندیشه انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ را بسترساز تبدیل ایران از یک قدرت منطقه‌ای به یک قدرت بین‌المللی ذکر کرد و گفت: یک انتخاب صحیح و دقیق دور نیست کشور ما از یک قدرت منطقه‌ای تبدیل به قدرتی جهانی شود، این موضوع نیازمند مشارکت مردم و انتخاب صحیح است.

حجت‌الاسلام رهدار افزایش نامزدهای ریاست جمهوری را از عوامل افزایش مشارکت برشمرد و اظهار کرد: هرنامزدی پایگاه اجتماعی خود را دارد و سبب افزایش مشارکت خواهد شد، البته این یک تاکتیک خواهد بود اما ایجاد نشاط و امیدواری و تحقق وعده‌ها و همین‌طور توجه به دغدغه‌ها و مطالبات مردمی یک راهبرد برای افزایش ماندگار مشارکت مردم در انتخابات است.

پیامدها و راه‌های پیش روی ایران پس از آزادی خرمشهر چه بود؟

فتحی در مسیر «بیت المقدس»

محسن فاطمی نژاد: صدام خبرنگاران را به خرمشهر می‌آورد تا وانمود کند ایران‌ها در عملیات شکست خورده‌اند. همه فکر می‌کردند ایران فتح خرمشهر را به بعد موکول کرده است اما از ساعت ۱۲:۳۰ روز یک خرداد تا ۱۶:۳۰ سوم خرداد‌ماه که محمود کریمی علویجه با آن صدای به یادماندنی‌اش خبر آزادی خونین‌شهر را در رادیو جمهوری اسلامی اعلام کرد، می‌شد زمزمه شکست ارتش صهیونیستی مسلک بعثی را از رادیو بغداد شنید. آنجا که در آستانه ورود زمندگان ایران به خرمشهر اعلام می‌کرد:«دفاع از خرمشهر به معنی دفاع از بصره است. آبروی امت عرب در گرو دفاع از خرمشهر است».

درنهایت پس از مجاهدت‌های فراوان، خرمشهر که غروب ۴ آبان ۵۹ و پس از ۳۴ روز مقاومت قهرمانانه سقوط کرده بود، پس از گذشت ۵۷۶ روز دوباره به آغوش ایران بازگشت. ایران توانسته بود خرمشهر را که برگ برنده عراق بود از چنگالش بیرون بکشد و حالا در موقعیت ویژه‌ای به لحاظ نظامی و سیاسی در منطقه قرار گرفته بود.

پیامدهای مهم فتح خرمشهر

نخستین پیامد مهم فتح خرمشهر و رسیدن ایران به مرزهای بین‌المللی، بیانیه‌ای بود که در اجلاس فوق‌العاده شورای خارجی همکاری خلیج فارس حدود هفت روز بعد منتشر شد. در این بیانیه به علت واهمه از گسترش پیروزی جمهوری اسلامی در منطقه، بدون اشاره به حقوق ایران و معرفی و تنبیه متجاوز، تنها به ضرورت آتش‌بس در جنگ ایران و عراق و برقراری صلح تأکید شده بود.

قطعاً واکنش مهم‌تر از بیانیه پوزرایی خارجه شورای همکاری خلیج فارس، قطعنامه ۵۱۴ شورای امنیت سازمان ملل بود که نزدیک به دو ماه بعد به تصویب رسید. در این قطعنامه با توجه به رسیدن ایران به مرزهای بین‌المللی و آمادگی عبور از آن، نکاتی در مورد به خطر افتادن امنیت و صلح بین‌الملل، تقاضای آتش‌بس و بازگشت نیروها به مرزهای بین‌المللی مطرح شد. شورای امنیت با وجود برتری جمهوری اسلامی، شرایط ایران را مبنی بر محکومیت متجاوز و پرداخت غرامت به ایران نپذیرفت و همچنان بر تقدم آتش‌بس بر هر امر دیگری تأکید داشت.

۳ راه حل پیش روی ایران

با توجه به این موقعیت سیاسی و نظامی، ایران سه راه حل را فرا روی خود می‌دید: نخستین راه آغاز مذاکره سیاسی با رژیم عراق و قدرت‌های حامی صدام بود؛ ولی سازمان ملل و قدرت‌های حاکم بر شورای امنیت، این اقدام را به منزله به رسمیت شناختن قدرت انقلاب ایران در منطقه می‌دانستند و عملاً به این دلیل که لازمه این کار، دادن امتیاز به ایران بود، درهای مذاکره را به روی ایران بستند.

راه حل دوم ترک مخاصمه بدون پایان جنگ بود؛ این بدان معنی بود نیروهای نظامی ایران می‌بایست در حالت نه جنگ و نه صلح در مرزها مستقر می‌شدند، اما این کار جز فرسایش قوای سیاسی و نظامی ایران نتیجه‌ای نداشت، ضمن آنکه این احتمال وجود داشت دشمن با بازسازی به تهاجم مجدد اقدام کند.فرماندهان نظامی ایران نیز اعتقاد داشتند به لحاظ نظامی امکان یافتند با توقف روی خط مرزی وجود ندارد زیرا در اغلب نقاط مرزی هیچ گونه مانع طبیعی وجود نداشت، علاوه بر این، ایجاد استحکامات نیز یک سال به طول می‌انجامید و در این مدت احتمال تجدید قوای دشمن و حمله مجدد وجود داشت، مهمتر از همه اینکه با تکیه بر اصل «تعقیب دشمن» هر گونه توقف پس از فتح خرمشهر یک حرکت غیراصولی بود.

علاوه بر این، برای تداوم جنگ آن هم در خاک عراق چند مؤلفه دیگر نیز دخیل بود: نخست ورود به خاک عراق برای تأمین ساحل شرقی رودخانه اروند اجتناب‌ناپذیر بود. ضمن آنکه با تهدید شهر بصره و در تیررس قرار دادن منطقه عظیم نفتی رمیله و صفوان، عراق وادار به تأمین خواسته‌های ایران می‌شد. علاوه بر این، صدام با عقب‌نشینی ادعایی قصد داشت با حضور در ارتفاعات، اشراف خود را بر مناطق حفظ کند و به تثبیت مواضع خود بپردازد. در کنار تمام این موارد بمباران شهرها همچنان ادامه داشت.

سومین راه حل «صلح شرافتمندانه و تضمین شده» بود. شرافتمندانه به این معنا که حقوق ایران تأمین شود و تضمین شده به این معنا که از بروز جنگ جدید جلوگیری شود. جلسه شورای عالی دفاع در حضور امام خمینی(ره) برگزار و این راه حل هر چند با تأخیر برگزیده شد.

با فتح خرمشهر هنوز اوضاع به وضع پیش از تجاوز بازنگشته بود

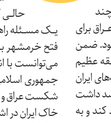

محمد درودیان در کتاب «پرسش‌های اساسی جنگ» اعتقاد دارد پرسش از علت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر بیش از آنکه با نظر به شرایط و واقعیات باشد، با توجه به طولانی شدن جنگ و نحوه پایان آن و با فرض اینکه امکان پایان جنگ وجود داشت ولی ایران نپذیرفت، طرح شده و به همین دلیل یک پرسش سیاسی است: آن هم در حالی که مسئله ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، یک مسئله راهبردی بوده است. او می‌گوید: اگر ایران پس از فتح خرمشهر بنابر نظر منتقدان، جنگ را خاتمه می‌داد امروز می‌توانست با انتقاد دیگری با این مضمون روبه‌رو شود که چرا جمهوری اسلامی در وضعیتی که در موضع برتر بود و احتمال شکست عراق و سقوط صدام وجود داشت و همچنان بخشی از خاک ایران در اشغال عراق بود، جنگ را این گونه به پایان رساند؟

در ادامه توضیح او درباره این گزاره را می‌خوانید.

پس از گذشت ۱۸ سال از زمان تصمیم‌گیری پس از فتح خرمشهر این پرسش را می‌توان مطرح کرد که ایران اساساً چه گزینه‌هایی در برابر خود داشت؟ آنچه انجام شد آیا بهترین گزینه بود؟ پاسخ به این پرسش باید افزون بر نگرانی‌ها، تصورها و ذهنیاتی که وجود داشت به خواسته‌های ایران و موانع موجود برای تأمین آن‌ها نیز توجه کرد. جمهوری اسلامی ایران بلافاصله پس از تجاوز عراق و تردد هیئت‌های صلح خواسته‌های خود را که شامل عقب‌نشینی عراق از مناطق اشغالی، اعلام متجاوز بودن عراق و پرداخت غرامت بود، به عنوان پیش‌شرط‌های خاتمه جنگ مطرح کرد. مجامع بین‌المللی و هیئت‌های صلح به نحو تعجب‌آمیزی به جای توجه کردن به عامل تجاوز و ضرورت عقب‌نشینی، بر اجرای آتش‌بس تأکید می‌کردند! تجربه جنگ اعراب با اسرائیل و پیامدهای مخاطره‌آمیز پذیرش آتش‌بس، جمهوری اسلامی را وادار کرد همچنان بر خواسته و شرایط خود تأکید کند. به‌تدریج با برتری توان نظامی ایران و در هم شکستن ماشین نظامی ارتش اشغالگر و آزادسازی مناطق اشغالی، ۱۰ هزار کیلومتر مربع از ۱۵ هزار کیلومترمربعی که عراق به اشغال خود درآورده بود، آزاد شد و عراق ۵ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران را در اشغال داشت که پس از اعلام عقب‌نشینی از خاک ایران ۲هزار و ۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران شامل ارتفاعات و مناطق حساس در اشغال نیروهای عراقی باقی ماند. در مرحله جدید، محکوم کردن عراق که متجاوز بود و پرداخت غرامت اهمیت بیشتری داشت. با این توضیحات در واقع با فتح خرمشهر هنوز اوضاع به وضع پیش از تجاوز بازنگشته بود؛ زیرا هنوز ۵ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران را در اشغال داشت. عراق همچنان تهدیدی دید بود. ایران در چنین وضعیتی برای حل مسائل چگونه باید تصمیم می‌گرفت؟ مسئله مهم برای ایران در زمان تصمیم‌گیری، دفع تهدیدهای احتمالی عراق و پرداخت غرامت بود و این مهم با عقب‌نشینی کامل عراق از خاک ایران و اعلام متجاوز بودن عراق و پرداخت غرامت به ایران تأمین می‌شد.

حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی عراق که نگران سقوط صدام در صورت ادامه جنگ بودند در گام نخست بر آتش‌بس تأکید داشتند تا درباره توقف جنگ و مهار رو به گسترش پیروزی‌های ایران اطمینان حاصل کنند، ضمن اینکه در تعیین متجاوز حساسیت داشتند؛ زیرا انجام این مهم به معنای اعلام پیروزی سیاسی ایران بر عراق بود و تزلزل در عراق و احتمالاً فروپاشی رژیم بعثی را موجب می‌شد. افزون بر این، قدرت‌های بزرگ در تجاوز عراق سهیم بودند و اعلام متجاوز بودن عراق به منزله پذیرش سیاست تجاوزآمیز این کشورها ضد جمهوری اسلامی ایران بود، از این رو از پذیرش آن اجتناب می‌کردند.

> **اگر ایران پس از فتح خرمشهر بنابر نظر منتقدان، جنگ را خاتمه می‌داد امروز می‌توانست با انتقاد دیگری با این مضمون روبه‌رو شود که چرا در وضعیتی که در موضع برتر بود و احتمال شکست عراق و سقوط صدام وجود داشت و همچنان بخشی از خاک ایران در اشغال عراق بود، جنگ را این گونه به پایان رساند؟**

برای پرداخت غرامت مایل بودند نخست، مبلغ پرداختی به میزانی نباشد که ایران در مرحله بازسازی به موفقیتی جدید دست یابد؛ بنابراین تلاش می‌کردند ایران همچنان در برابر هزینه‌های بازسازی خسارت جنگ درگیر و ضعیف باقی بماند. دوم، به بازسازی عراق که قدرت متعادل کننده ایران بود توجه کردند. به همین دلیل کشورهای شورای همکاری تأکید داشتند یک صندوق مشترک تشکیل شود که پول آن را کشورهای مختلف تأمین کنند و به تناسب میان ایران و عراق تقسیم شود.حال پرسش این است اگر جمهوری اسلامی ایران، بنا بر نظر منتقدان، جنگ را پس از فتح خرمشهر تمام می‌کرد آیا امروز به جای پرسش از علت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر این پرسش مطرح نمی‌شد که چرا جمهوری اسلامی در وضعیتی که در موضع برتر بود و احتمال شکست عراق و سقوط صدام وجود داشت و همچنان بخشی از خاک ایران در اشغال عراق بود، جنگ را این گونه به پایان رساند؟ باید به این نکته توجه کرد پرداخت غرامت برای بازسازی ایران و عراق به لحاظ حقوقی بر این فرض مبتنی بود که ایران و عراق هر دو در شروع جنگ مقصر هستند، حال آنکه عراق متجاوز بود و پس از پایان جنگ با ایران و تجاوز عراق به کویت، دبیر کل سازمان ملل عراق را متجاوز معرفی کرد. افزون بر این، تشکیل صندوق مشترک و پرداخت هزینه برای بازسازی به طور حتم پیامدهایی داشت؛ از جمله اینکه در هر مرحله و در برابر هر پرداختی ایران باید گزارش هزینه‌ها را ارائه می‌داد تا مجدد پول دریافت کند. آیا برای طرف پیروز در جنگ پذیرش چنین مواردی امکان‌پذیر بود؟

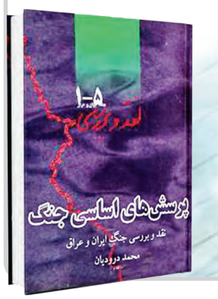

درنگ

اما و اگرهای سینمای معنویت‌گرا

حکومت اسلامی بر مبنای عدالت‌گستری استوار است

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی واعظ موسوی در ویژه‌برنامه تبلیغی- مذهبی حرم مطهر رضوی گفت: حکومت اسلامی بر مبنای عدالت‌گستری استوار است و کسی که در رأس این حکومت قرار دارد، به دنبال قدرت‌طلبی و کسب ثروت نیست. کسی که در رأس حکومت اسلامی قرار دارد اگر به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد، حکومت را وسیله‌ای برای خدمت به مردم می‌داند.

اخبار

دلجویی خادمان رضوی از خانواده‌های آسیب‌دیده زشک

به همت مدیریت امور مجاوران بنیاد کرامت رضوی از خانواده‌های آسیب‌دیده زشک که منازل آن‌ها در آتش‌سوزی این روستا خسارت دید، دلجویی شد.

به گزارش آستان‌نیوز، مثل همیشه که خبری متأثرکننده از یک حادثه یا بحران منتشر می‌شود، این بار هم مسئولان آستان قدس رضوی با انتشار خبر آتش‌سوزی در روستای زشک از توابع شهر شاندیز وارد میدان شدند و در کنار مردم آسیب‌دیده قرار گرفتند.

جمعی از مسئولان معاونت خدمات اجتماعی بنیاد کرامت رضوی با گروهی از خدمه به محل وقوع حادثه اعزام شدند تا ضمن بازدید از محل، از خانواده‌های آسیب‌دیده زشک که در جریان آتش‌سوزی روستا متحمل خسارت شدند، دلجویی کنند.

در جریان این حضور میدانی، خادمان رضوی ۱۷۰ وعده غذای متبرک حضرت رضا(ع) را میان خانواده‌های خسارت‌دیده توزیع کردند. همچنین ضمن توزیع غذای متبرک، از خدمات آتش‌نشان‌های در حال خدمت‌رسانی به آسیب‌دیدگان قدردانی شد.

قدردانی از روزه‌اولی‌های اصفهانی در پویش «ریحانه بهشتی»

مسئول کانون خدمت رضوی شمس الشموس(ع) اصفهان گفت: پویش «ریحانه بهشتی» به منظور قدردانی از دختران روزه‌اولی با همکاری مرکز فرهنگی قرآنی حجت بن الحسن و کانون خدمت رضوی شمس الشموس(ع) برگزار شد.محمدحسن امامی در مراسم قدردانی از دختران روزه‌اولی در قالب برنامه «ریحانه بهشتی» در گفت‌وگو با آستان‌نیوز از اصفهان گفت: یکی از رسالت‌های مهم کانون‌های خدمت رضوی در کنار خدمت‌رسانی به مستمندان، تلاش برای افزایش معرفت در سیره اهل بیت(ع) به ویژه امام رضا(ع) در جامعه است.

روایت‌هایی خواندنی از شب خاطره «از وقتی مادر شدم»

فرشته‌ها با هم می‌آیند

عکس رضوی - مریم خانی

سارا صالحی: فضای باغ پر شده از صدای خنده بچه‌ها. پدرها و مادرها با بچه‌ای به بغل و کودکی در دست وارد باغ می‌شوند تا در یک عصر خاطره‌انگیز، شور و شیرینی‌های تربیت همزمان چند فرزند را از زبان مادران بشنوند. مادرانی که تنها هنرشان فرزندپروری نبوده و در عرصه‌های مختلف اجتماعی دستی بر آتش دارند.

ویژه برنامه و شب خاطره «از وقتی مادر شدم» به همت مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی و با مشارکت سازمان تبلیغات اسلامی خراسان رضوی برای فرهنگ‌سازی در حوزه فرزندآوری در باغ‌اردوگاه خاتون برگزار شد.

ساعتی آسودگی همراه با آگاهی

در باغ‌خاتون به روی میهمانان باز است و حضور پرتعداد بچه‌ها در جای‌جای آن به چشم می‌آید. مادرها و پدرها در فضای دلنشین باغ از ساعتی استراحت بدون دغدغه لذت می‌برند. صندلی‌ها در فضای گسترده باغ با فاصله از هم چیده شده‌اند و کم‌کم با حضور خانواده‌ها مراسم شکل رسمی به خود می‌گیرد.

همان اول برنامه، حرف‌های جدی‌تر را مدیرکل سازمان تبلیغات اسلامی خراسان رضوی می‌گوید تا بهتر شنیده شود. حجت‌الاسلام هادی صاحبقرانی در سخنانی به اهمیت فرزندآوری در این برهه حساس زمانی پرداخت و گفت: اگر والدین امروز آگاه و دغدغه‌مند نباشند، کشورمان در آینده نزدیک دچار «تله جمعیتی» خواهد شد.

حجت‌الاسلام صاحبقرانی، خودش جوان است و به دغدغه‌ها و مشکلات زوجین جوان آشناست.

وی با تأکید افزود: در صورتی که در چند سال باقیمانده، فرصت را برای پر کردن این خلأ جمعیتی مغتنم نشماریم، مثل بسیاری از ملت‌های غربی در این تله می‌افتیم که بیرون آمدن از آن چیزی حدود ۱۵۰ سال طول می‌کشد. این دوره طلایی کوتاه است چون متأسفانه دست‌اندرکاران فرهنگ‌سازی درخصوص افزایش جمعیت در کشورمان دیر به فکر چاره افتادند.

اولویت مغفول مانده

وی نقبی به فرمایشات رهبر انقلاب زد و گفت: معظم‌له حدود ۴۰ مرتبه به صراحت در رابطه با خطر کاهش نرخ رشد ایران صحبت کردند و تذکر دادند و سیاست‌های جمعیتی را ابلاغ کردند ولی هنوز به مسئله اولویت‌دار برایمان تبدیل نشده است.

«صاحبقرانی» با اشاره به آیه ۱۵۱ سوره انعام، دلهره از تأمین مخارج فرزند را دلیل ترس از فرزندآوری عنوان کرد و افزود: متأسفانه برخلاف آموزه‌های قرآنی، ترس از فرزندآوری بیشتر از تربیت فرزند تبلیغ شده. ترس از به فقر افتادن با داشتن چند فرزند، دشواری‌های چندفرزندی، همه از پیامدهای سال‌ها ترویج فرهنگ فرزند کمتر، زندگی بهتر است.

این کارشناس علوم دینی با ابراز ناخشنودی از آمار سقط جنین در کشورمان، ضمن استناد به آیه دیگری از قرآن، اظهار کرد: وعده خداوند حق است که در آیه ۳۱ سوره اسراء فرموده؛ «فرزندانتان را از ترس فقر به قتل نرسانید». همه سقط جنین ها در کشور ما به فتوای همه مراجع عظام به جز موارد خاص پزشکی، قتل نفس محترمه محسوب می‌شود.

> **حجت‌الاسلام هادی صاحبقرانی در سخنانی به اهمیت فرزندآوری در این برهه حساس زمانی پرداخت و گفت: اگر والدین امروز آگاه و دغدغه‌مند نباشند، کشورمان در آینده نزدیک دچار «تله جمعیتی» خواهد شد**

به گفته وی، اگر برای مردم ما خطر جمعیتی و گناه بزرگ فرزندکشی جا بیفتد، کشور با این خطر جدی مواجه نخواهد شد. نسل جوان نیاز آینده هر کشور باثبات چه در مسیر رشد و توسعه و چه در بحران‌هایی چون جنگ تحمیلی و شیوع کروناست تا نقش‌آفرینی کنند.

از مسابقه تا شگفتانه

پس از ساعتی حرف‌های صریح و جدی، دقایقی به برگزاری مسابقه‌ای مفرح بین پدران اختصاص پیدا کرد. اما آنچه در این بین جالب است، اینکه این برنامه از معدود مراسمی بود که بچه‌ها می‌توانستند آزادانه و بدون هیچ قید و بندی حتی تا روی سکوی اجرا، گرم دویدن و بازی باشند چون این جمع به ارزش و اهمیت کودکان آشنا و آگاه هستند و بنا دارند که این قدر و منزلت را به دیگران هم بشناسانند.

یکی از شگفتانه‌های برنامه هم قدردانی متفاوت از مبلغ دینی و فعال در امور اجتماعی حاشیه شهر مشهد، حجت‌الاسلام فیض‌آبادی بود.

کسی که منزلش را پایگاهی برای تربیت پنج فرزند خود در کنار نوجوانان و جوانان هم‌محله‌ای کرده؛ از فعالیت‌های قرآنی گرفته تا برپایی نمایش عروسکی، فعال کردن تیم‌های فوتبال و والیبال، کمک به اشتغال‌زایی و برگزاری مراسم عروسی و آیینی.

حدیث خدمات ارزشمندش به گوش رهبر معظم انقلاب رسیده و ایشان انگشتری را مخصوص حجت‌الاسلام فیض‌آبادی هدیه کردند. او با گرفتن این هدیه معنوی گفت: همین که حاصل کارهای ما به گوش ایشان برسد و بدانم باری از دوش حضرت آقا برداشته‌ام، خدا را شاکرم.

روایت‌های مادر و فرزندی

ساعتی از عصر گذشته و تازه مراسم گل انداخته که اعلام می‌شود بخش اصلی یعنی روایتگری مادران صاحب چند فرزند قرار است شروع شود. از پشت تریبون، چند بانو معرفی می‌شوند و اول از همه، زینب مهاجر مادر پنج فرزند از خاطرات تلخ و شیرین فرزندپروری تعریف می‌کند: نمی‌گویم حضور این تعداد بچه در خانه دردسر ندارد، ولی شیرینی‌هایش بیشتر است. من در کنار مسئولیت‌های مادری، تحصیل دانشگاهی داشته‌ام و همچنین به حفظ قرآن مشغولم.

همراه همسرم، یک محفل خانوادگی انس با قرآن در منزلمان برگزار می‌کنیم. بچه‌هایم کنار بازی و کودکی کردن، بغل دستم قرآن می‌آموزند.

مهناز هروی، بانوی ۳۰ ساله‌ای است که در همین سنین جوانی، ۶ فرزند را مادری می‌کند، می‌گوید: موفقیت من مادر فقط در ادامه تحصیلات و اشتغال اجتماعی خلاصه نمی‌شود، معتقدم وقتی یک فرزند مؤمن و محب آل علی(ع) تربیت کنم، به وظیفه‌ام عمل کرده‌ام. خودم مشغول فراگیری علوم قرآنی هستم و فرزندانم نیز به آموختن قرآن و نهج‌البلاغه تمایل دارند و تا امروز حائز عناوینی هم شده‌اند.

آگهی مزایده

آگهی مزایده اموال غیرمنقول سعید حریمی
به‌موجب پرونده اجرایی به شماره بایگانی۹۹۰۰۱۲۷ اجرای ثبت زبرخان فاطمه زارعی باستناد سند نکاحیه شماره ۱۲۳۱۳ - ۱۳۸۷/۱۰/۲۳ اقدام به صدور اجرائیه به تعداد یکصد و بیست و پنج عدد سکه بهار آزادی علیه سعید حریمی فرزند حسین نموده است که پس از ابلاغ اجرائیه و طی مراحل قانونی حسب درخواست بستانکار اموال غیرمنقول به شرح ذیل: ششدانگ عرصه و اعیان پلاک ۱۱۹ فرعی از ۱۲۰ اصلی بخش ۳ زبرخان توسط کارشناس رسمی مبلغ هشتصدوپنجاه میلیون رالش معادل هشتادوپنج میلیون تومان ارزیابی گردیده است که پس از قطعیت ارزیابی جلسه مزایده در روز سه شنبه بیستم خرداد ماه سال هزاروچهارصد از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر در محل اداره ثبت اسناد و املاک زبرخان با حضور مسئولین اجرا و نماینده مقام قضایی دادگستری زبرخان تشکیل می گردد و مبلغ مزایده از هشتصدوپنجاه میلیون رالا معادل هشتادوپنج میلیون تومان شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی واگذار خواهد شد ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. نیمعشر اجرایی و حق حراج و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده خواهد بود. انتشار:۱۴۰۰/۳/۳ ۱۴۰۱۷۳۴آ
سید حسن پور موسوی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک زبرخان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۸۶۰۳۲۷۰۰۱۰۰۰۲۱۳مورخ۱۳۹۸/۰۳/۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جهانگیر حسنلو فرزند شهبازعلی به شماره شناسنامه ۲۰۸ صادره از زنجان در شش دانگ یک باب عمارت به مساحت ۱۳۷/۶۷متر مربع پلاک ۸۷۲۷۱ فرعی از ۱۴اصلی واقع در بخش ۷زنجان محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ۱۴۰۱۷۳۳۱
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۰/۰۳/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۰/۰۳/۱۸
مجتبی محمدپور -رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۱۸۰۱۸۰۰۵۳۲۸مورخ ۹۹/۱۲/۱۹هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سنگر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حمید فرهمند فرزند احمد به شماره ملی ۰۰۶۲۱۶۵۷۹۸ در ششدانگ یک باب خانه و محوطه به مساحت ۲۵۳/۱۸ متر مربع مجزی شده از ۷۱ فرعی از سنگ ۲۰اصلی واقع در قریه شهرستان بخش ۱۲ گیلان ، که برای آن شماره ۶۲۰ فرعی در نظر گرفته شده محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۴۷۴ آ۱۴۰۱۷۳۲آ
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۰/۰۳/۳ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۰۳/۱۸
علی نصرتی-رئیس ثبت اسناد و املاک سنگر

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۱۸۶۰۳۰۱۳۱۸۶مورخ۱۳۹۹/۱۲/۱۸ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای احمد بشر زاد فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۶۳۱ صادره از رشت در قریه شالکو در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۲۵۴/۴۹ متر مربع پلاک فرعی ۴۰۳۵۰ از اصلی ۷۷ مفروز مجزی از پلاک ۱۳۱ باقیمانده از اصلی ۷۷ واقع در بخش چهار رشت خریداری از مالک رسمی آقای ورثه سلیمان داود زاده محرز گردیده است
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۵۷۸ آ۱۴۰۱۷۵۵آ
تاریخ انتشار نوبت اول :۱۴۰۰/۰۳/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۰۳/۱۸
حسین اسلامی کجیدی-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت

آگهی موضوع ماده۳قانون وماده۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی

برابرای شمار۱۳۹۹۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۹۲۵هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقرد‌رواحدثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زینت مزینی فرزندقاسم به شماره شناسنامه۳۳صادره ازفریمان دریک باب ساختمان به مساحت۱۵۴.۱۹مترمربع پلاک۲۴۰۵ فرعی از۲۷۶ اصلی واقع دربخش۱۳ازمحل مالکیت رسمی متقاضی محرزگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله۱۵روزآگهی می شوددر صورتی که اشخاص نسبت به صدورسندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خودرابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد. آ۱۴۰۱۷۲۸آ
تاریخ انتشارنوبت اول:۱۴۰۰/۳/۰۳ تاریخ انتشارنوبت دوم:۱۴۰۰/۳/۱۷
محمدرضارجایی مقدم-رئیس اداره ثبت اسنادواملاک

آگهی فقدان سندمالکیت

نظربه اینکه آقای حسن غلامی فردباستناددوبرگ استشهادیه گواهی شده منظم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده ومدعی است سندمالکیت ۵۰۰سهم از ۱۶۰۰۰سهم ششدانگ پلاک۹۶۴۱فرعی از۲۷۶ اصلی بخش۱۳مشهدکه متعلق به وی می باشد بعلت بی احتیاطی مفقودشده است بابررسی دفترملاک معلوم شدکه سند ذیل دفتر۳۱۶صفحه ۸۹ به نام وی ثبت وسندبشماره چاپی۶۲۸۳۴۷سری الف سال۸۵ صادروتسلیم شده است که برابرسند۱۹۴۶۷ -۱۳۸۶/۰۶/۱۷دفتر۱۵ فریمان به وی منتقل شده است.دفترملاک بیش ازاین حکایتی ندارد .لذا باستناد تبصره ذیل ماده۱۲۰اصلاحی قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی ومتذکرمیگردد هر کس نسبت به ملک موردآگهی معامله ای انجام داده یامدعی وجودسند مالکیت نزدخودمیباشدبایستی ظرف ۱۰روزازتاریخ انتشاراین آگهی اعتراض کتبی خودرا به پیوست اصل سندمالکیت یاسندمعامله رسمی به این اداره تسلیم نمایدبدیهی است درصورت عدم وصول اعتراض درمهلت مقرریا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یاسند معامله رسمی نسبت به صدورسند مالکیت المثنی وتسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. آ۱۴۰۱۷۳۰
محمدرضارجایی مقدم-رئیس ثبت اسنادواملاک فریمان

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یکباب مغازه به پلاک ۷۴۰ فرعی از۱-اصلی ملکی اقای محمد خدایاری واقع در قطعه یک بمپور از بخش ۱۲ بلوچستان مورد تقاضای نامبرده در تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۴ راس ساعت ۸صبح شروع و بعمل خواهد امد لذا بر حسب ماده ۱۴ قانون ثبت به مالکین و صاحبان املاک فوق الذکر اعلام می گردد تا در محل حضور بهم رسانند و چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی انها در موقع تحدید حدود در محل حاضر نباشند تحدید حدود املاک فوق بر طبق ماده ۱۵ قانون ثبت با حضور و معرفی مجاورین بعمل خواهد امد و اعتراض انها برابر ماده ۲۰قانون ثبت از تاریخ تحدید حدود بمدت ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد ضمنا برابر تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی و مواد ۷۴و۸۶ ائین نامه اصلاحی قانون ثبت معترضین از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مدت یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت بدون توضیح به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه دهد. آ۱۴۰۱۷۳۱آ
تاریخ انتشار : ۱۴۰۰/۰۳/۰۳
اردشیر محمودی -رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یکباب مغازه به پلاک ۷۳۹ فرعی از۱-اصلی ملکی اقای محمد خدایاری واقع در قطعه یک بمپور از بخش ۱۲ بلوچستان مورد تقاضای نامبرده در تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۴ راس ساعت ۸صبح شروع و بعمل خواهد امد لذا بر حسب ماده ۱۴ قانون ثبت به مالکین و صاحبان املاک فوق الذکر اعلام می گردد تا در محل حضور بهم رسانند و چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی انها در موقع تحدید حدود در محل حاضر نباشند تحدید حدود املاک فوق بر طبق ماده ۱۵ قانون ثبت با حضور و معرفی مجاورین بعمل خواهد امد و اعتراض انها برابر ماده ۲۰قانون ثبت از تاریخ تحدید حدود بمدت ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد ضمنا برابر تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی و مواد ۷۴و۸۶ ائین نامه اصلاحی قانون ثبت معترضین از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مدت یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت بدون توضیح به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه دهد. آ۱۴۰۱۷۳۶آ
تاریخ انتشار : ۱۴۰۰/۰۳/۰۳
اردشیر محمودی -رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یکباب مغازه به پلاک ۷۳۸ فرعی از۱-اصلی ملکی اقای محمد خدایاری واقع در قطعه یک بمپور از بخش ۱۲ بلوچستان مورد تقاضای نامبرده در تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۴ راس ساعت ۸صبح شروع و بعمل خواهد امد لذا بر حسب ماده ۱۴ قانون ثبت به مالکین و صاحبان املاک فوق الذکر اعلام می گردد تا در محل حضور بهم رسانند و چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی انها در موقع تحدید حدود در محل حاضر نباشند تحدید حدود املاک فوق بر طبق ماده ۱۵ قانون ثبت با حضور و معرفی مجاورین بعمل خواهد امد و اعتراض انها برابر ماده ۲۰قانون ثبت از تاریخ تحدید حدود بمدت ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد ضمنا برابر تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی و مواد ۷۴و۸۶ ائین نامه اصلاحی قانون ثبت معترضین از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مدت یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت بدون توضیح به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه دهد. آ۱۴۰۱۷۳۷آ
تاریخ انتشار : ۱۴۰۰/۰۳/۰۳
اردشیر محمودی -رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یکباب مغازه به پلاک ۷۳۵ فرعی از۱-اصلی ملکی اقای محمد خدایاری واقع در قطعه یک بمپور از بخش ۱۲ بلوچستان مورد تقاضای نامبرده در تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۴ راس ساعت ۸صبح شروع و بعمل خواهد امد لذا بر حسب ماده ۱۴ قانون ثبت به مالکین و صاحبان املاک فوق الذکر اعلام می گردد تا در محل حضور بهم رسانند و چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی انها در موقع تحدید حدود در محل حاضر نباشند تحدید حدود املاک فوق بر طبق ماده ۱۵ قانون ثبت با حضور و معرفی مجاورین بعمل خواهد امد و اعتراض انها برابر ماده ۲۰قانون ثبت از تاریخ تحدید حدود بمدت ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد ضمنا برابر تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی و مواد ۷۴و۸۶ ائین نامه اصلاحی قانون ثبت معترضین از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مدت یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت بدون توضیح به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه دهد. آ۱۴۰۱۷۴۱آ
تاریخ انتشار : ۱۴۰۰/۰۳/۰۳
اردشیر محمودی -رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یکباب مغازه به پلاک ۷۳۷ فرعی از۱-اصلی ملکی خانم زینب شاه دوست واقع در قطعه یک بمپور از بخش ۱۲ بلوچستان مورد تقاضای نامبرده در تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۴ راس ساعت ۸صبح شروع و بعمل خواهد امد لذا بر حسب ماده ۱۴ قانون ثبت به مالکین و صاحبان املاک فوق الذکر اعلام می گردد تا در محل حضور بهم رسانند و چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی انها در موقع تحدید حدود در محل حاضر نباشند تحدید حدود املاک فوق بر طبق ماده ۱۵ قانون ثبت با حضور و معرفی مجاورین بعمل خواهد امد و اعتراض انها برابر ماده ۲۰قانون ثبت از تاریخ تحدید حدود بمدت ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد ضمنا برابر تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی و مواد ۷۴و۸۶ ائین نامه اصلاحی قانون ثبت معترضین از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مدت یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت بدون توضیح به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه دهد. آ۱۴۰۱۷۴۲آ
تاریخ انتشار : ۱۴۰۰/۰۳/۰۳
اردشیر محمودی -رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یکباب مغازه به پلاک ۷۳۶ فرعی از۱-اصلی ملکی خانم زینب شاه دوست واقع در قطعه یک بمپور از بخش ۱۲ بلوچستان مورد تقاضای نامبرده در تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۴ راس ساعت ۸صبح شروع و بعمل خواهد امد لذا بر حسب ماده ۱۴ قانون ثبت به مالکین و صاحبان املاک فوق الذکر اعلام می گردد تا در محل حضور بهم رسانند و چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی انها در موقع تحدید حدود در محل حاضر نباشند تحدید حدود املاک فوق بر طبق ماده ۱۵ قانون ثبت با حضور و معرفی مجاورین بعمل خواهد امد و اعتراض انها برابر ماده ۲۰قانون ثبت از تاریخ تحدید حدود بمدت ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد ضمنا برابر تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی و مواد ۷۴و۸۶ ائین نامه اصلاحی قانون ثبت معترضین از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مدت یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت بدون توضیح به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه دهد. آ۱۴۰۱۷۴۰آ
تاریخ انتشار : ۱۴۰۰/۰۳/۰۳
اردشیر محمودی -رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یکباب مغازه به پلاک ۷۳۴ فرعی از۱-اصلی ملکی خانم زینب شاه دوست واقع در قطعه یک بمپور از بخش ۱۲ بلوچستان مورد تقاضای نامبرده در تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۴ راس ساعت ۸صبح شروع و بعمل خواهد امد لذا بر حسب ماده ۱۴ قانون ثبت به مالکین و صاحبان املاک فوق الذکر اعلام می گردد تا در محل حضور بهم رسانند و چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی انها در موقع تحدید حدود در محل حاضر نباشند تحدید حدود املاک فوق بر طبق ماده ۱۵ قانون ثبت با حضور و معرفی مجاورین بعمل خواهد امد و اعتراض انها برابر ماده ۲۰قانون ثبت از تاریخ تحدید حدود بمدت ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد ضمنا برابر تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی و مواد ۷۴و۸۶ ائین نامه اصلاحی قانون ثبت معترضین از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مدت یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت بدون توضیح به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه دهد. آ۱۴۰۱۷۴۳آ
تاریخ انتشار : ۱۴۰۰/۰۳/۰۳
اردشیر محمودی -رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر

آگهی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت باخرز

نظر به دستور مواد ۱ و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ باخرز واحد ثبتی شهرستان باخرز مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:آقای محمد تیموری رزدابی به شناسنامه شماره ۲۷ کدملی ۰۷۴۹۸۸۵۲۳۸ صادره تایباد فرزند محمدرضا در ششدانگ دکاکین به مساحت ۴۶۶/۳۲ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۱۸۳۶ فرعی از ۱۲۵ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک باخرز از محل مالکیت مرحوم حسن نظافت شهرنوی و غلامعلی انصاری** کلاسه ۱۶-۹۸ لذا بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منت